

هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه با فصلنامه خاورمیانه به مسایل مختلفی از جمله نقش و جایگاه حقوقی مجمع تشخیص مصلحت در ارتباط با سیاست خارجی، موقعیت سیاست خارجی ایران، سهم همکاری با کشورهای مختلف و از جمله کشورهای عربی اشاره کردند. همچنین مسئله اولویت های سیاست خارجی و جایگاه کشورهای مختلف همکاریهای منطقه ای و جهانی با توجه به مصالح ملی، وضعیت تولید نفت، همکاری های اقتصادی، روابط دوستانه با دولتهای مختلف مورد بحث قرار گرفت. موقعیت همکاری های میان ایران- عربستان، مسئله فلسطین و وزن آن در چارچوب سیاست خارجی ایران، مسئله تولید سلاحهای اتمی در منطقه و امنیت ایران و همکاری های منطقه ای از جمله مسایل دیگری است که در مصاحبه مورد بحث قرار گرفته است.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه: مدتی قبل در جلسه هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات خاورمیانه بحث شد که خیلی خوب است با مسئولان نظام در مورد مسایل سیاست خارجی صحبت بکنیم و دوستان علاقه مند بودند که اول با جناب عالی صحبت کنند و نامه ای نوشته شد و شما محبت کردید و توافق کردید که خدمت شما برسیم.

هاشمی رفسنجانی: بسیار خوب شما این مصاحبه را برای مجله تان می خواهید.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه: بله. ما قصد داریم این مصاحبه را هم در فصلنامه

مطالعات خاورمیانه چاپ بکنیم و هم آن را برای مجله انگلیسی ترجمه بکنیم.

آقای هاشمی رفسنجانی، اولین سئوالی که از حضرتعالی داریم این است که ما در کشور نهاد‌های مختلفی در رابطه با طراحی‌ها و اجرای سیاست خارجی داریم. لطفاً بفرمایید جایگاه دقیق حقوقی و فکری و طراحی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با سیاست خارجی چیست؟ زیرا هم در داخل و هم در محافل بین‌المللی در مورد آن ابهام وجود دارد. سئوال ما صرفاً حقوقی است و اگر این را مشخص کنید برای خیلی‌ها قابل توجه خواهد بود.

**هاشمی رفسنجانی:** مجمع تشخیص مصلحت نظام مسئولیتهای مستقیم و وظیفه‌ای در مورد سیاست خارجی ندارد تنها موردی که به ما مربوط می‌شود و در آن رابطه کار می‌کنیم مشورت دادن به رهبری، در سیاستهای کلی نظام منجمله در سیاستهای خارجی است؛ موارد را بررسی می‌کنیم و وقتی آنها را تنظیم کردیم به رهبری ارائه می‌کنیم. البته این موارد خیلی مختصر است. مثلاً تهیه چند بند و ایشان اگر آنها را پسندیدند اعلام می‌کنند و اگر هم اصلاحی داشته باشند آن را اصلاح می‌کنند. بعد از آن دولت و مجلس و دیگران باید این موارد را در چارچوب برنامه‌هایشان تنظیم و اجرا کنند. ما هنوز هم در مورد سیاست خارجی به طور مستقل چیزی را تصویب نکرده‌ایم به جز در امنیت ملی که از بعد سیاست خارجی یک بخشی را تصویب کرده‌ایم البته این از زاویه امنیت ملی است نه از زاویه سیاست خارجی. مسئله سیاست خارجی اکنون در کمیسیونهای ما در نوبت بررسی است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** ما فکر کردیم هر سئوالی که خدمت شما مطرح می‌کنیم اگر دوستان هم خواستند پیرامون آن سئوال‌های ریزتری را خدمت شما مطرح کنند.

**هاشمی رفسنجانی:** برای پاسخ آماده‌ام.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** وقتی سیاست خارجی هر کشوری را مطالعه می‌کنیم معمولاً در آن اولویتهایی مطرح است. مثلاً فرض کنید کشورهای هند و پاکستان انرژی اصلی

در حوزه خودشان را صرف می کنند. یا فرض کنید برای کشور چین منطقه آسیا خیلی اهمیت دارد یا کشور عربستان در حوزه جزیره العرب خیلی فعال است. سؤال مهمی که در محافل علمی کشور همیشه مطرح بوده این است که اولویت های منطقه ای سیاست خارجی کشور ما چیست؟ یعنی اگر بخواهیم قسمت اعظم انرژیمان را برای سیاست خارجی یک جایی صرف بکنیم کجا باید باشد، آیا این حوزه منطقه عربی است، آیا آسیای مرکزی و قفقاز است، آسیاست یا اصولاً کشور ما کشوری است که وجوه مختلفی دارد و یک بازیگر جهانی است و باید در سطح جهانی عمل بکند. در اینجا نیز آیا جایگاه غرب و یا اروپا در سیاست خارجی، مهم است؟ جنابعالی این اولویت بندی های منطقه ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را چگونه می بینید؟

**هاشمی رفسنجانی:** تاکنون همان محوری که قانون اساسی برای ما تنظیم کرده یعنی اولویت دادن به کشورهای اسلامی و جهان سوم و همسایه مورد توجه ما بوده است. ما در این بخش از بعد امنیتی این را یک مقداری باز کرده ایم، چیزهایی را روشن تر کرده ایم ولی در اصل در سیاست خارجیمان ما هنوز در مجمع بحثی نکرده ایم و من آنچه اکنون می گویم نظر خودم است. در مجموع من فکر می کنم که مسئله همکاری با کشورهای مختلف تقریباً عمومی است. در اصل سیاست خارجی ما باید با همه کشورهای همکاری بکنیم و در این مورد استثنا فقط اسرائیل است که آن را مشروع نمی دانیم. همانطور که در آفریقای جنوبی هم آپارتاید حاکم بود این کشور جزو مستثناها بود. دیگر ما استثنای مبنایی و اصولی نداریم باید با همه دنیا کار کنیم.

روابط هم دوستانه و متقابل خواهد شد. این متن سیاست خارجی است شما از اولویت می پرسید. طبعاً ما با معیار آرمانهایی که در انقلابمان است، باید اولویتها را به کشورهای اسلامی بدهیم. بنابراین در چارچوب سیاست خارجی ما اعراب هم از دو جهت در همان اولویت اولمان می آید یعنی از جهت اسلامی و از اینکه نوعاً جهان سومی هم هستند. البته بعضی از آنها از نظر منطقه ای با ما همسایه هم هستند و در اینجا اولویت سه جهت پیدا می کند

ما با کشورهای غربی یا کشورهای بزرگ شرق یا در حال توسعه یا توسعه یافته دیگر هم باید روابط حسنه متقابل و دوستانه داشته باشیم. ما اولویتهایی که تا به حال در ذهنمان بوده منطقی می دانیم. کشورهای مسلمان، جهان سوم و همسایه بعضی ها سه امتیاز دارند بعضی ها دو امتیاز دارند و بعضی ها یک امتیاز دارند.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** اگر اجازه بفرمایید من در ادامه همین مسئله سؤال دیگری مطرح کنم. اگر ما سیاست خارجی را از منظر امنیت ملی و توسعه اقتصادی نگاه کنیم، آیا می شود این سؤال را مطرح کرد که جهت گیری سیاست خارجی ما باید به سمتی باشد که بتوانیم به نحوی تهدیدات را دفع بکنیم و یا در انتقال تکنولوژی بویژه تکنولوژی صنعت نفت در بارور کردن نظام اقتصادی و مالی کشور کار کنیم. اگر سیاست خارجی را از این منظر نگاه کنیم جایگاه غرب در سیاست خارجی ما چیست؟ در حال حاضر هم شاید ما بتوانیم این بحث را مطرح بکنیم که عمده تهدیدات امنیتی به کشور ما از جانب آمریکا و اسرائیل است. البته تهدیداتی هم که از سوی کشورهای منطقه مطرح است در درجه دوم اهمیت قرار دارد. با توجه به این موقعیت آیا ما می توانیم فقط در سطح منطقه عمل کنیم. با در نظر گرفتن موقعیت ژئوپلیتیک، اقتصادی و حتی فرهنگی، ارتباط آن با جهان بیرون از منطقه باید به چه صورت باشد؟

**هاشمی رفسنجانی:** شما از اولویت پرسیدید و من در مقدمه اولویت ها گفتم که باید با همه دنیا روابط حسنه داشته باشیم و همکاری کنیم ما طبیعتاً به غرب به خاطر تکنولوژی و دانش و حتی بازار آنها و همکاری های بین المللی آنها نیاز داریم. آنها هم در سیاستهایشان به ما نیاز دارند اگر این همکاری را حفظ کنیم طبیعی است در حد انتقال تکنولوژیها همکاریهای فنی، صنعتی، تجاری، اقتصادی اینها در شرایط دوستانه متساوی می گنجد. نباید محدودیتی برای خودمان با آنها به وجود آوریم اینها حالتهای استثنایی است. اما اولویت که بحث می شود معنی ویژه ای دارد مثلاً اگر فرض کنیم بنا است در امور تجاری یا عمرانی یا امور مالی که به

هر حال ما می‌توانیم در آن مؤثر باشیم، بخواهیم با خارج کار بکنیم، اگر لازم شود که بین یکی از این کشورها و کشورهای دیگر با شرایط مساوی از لحاظ منافع یکی را انتخاب کنیم طبعاً آنهايي را که اولويت دارند انتخاب می‌کنیم. ما باید منافع خودمان را هم در نظر بگیریم، چرا که منافع ملی جزو اولویتهای اول ماست. اگر مصالح ملی را در نظر بگیریم و آن را از دیدگاه سیاست خارجی نگاه کنیم به ارتباط خود با اینگونه کشورها می‌توانیم اولویت قابل شویم. حالا تجارت باشد یا همکاری فرهنگی یا همکاری سیاسی یا هر چیزی می‌خواهد باشد ما در صورت تساوی با حفظ منافع خودمان اولویت را به آنهايي می‌دهیم که در قانون اساسی امتیاز دارند. و این هیچ منافاتی ندارد که ما برای نیازهای کشورمان با هر کشور دیگری همکاری کنیم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: در متون تخصصی سیاست خارجی بحثی است مبنی بر اینکه هر کشوری مستقل از ماهیت نظام سیاسی خود جغرافیا و منابع و وضعیت ثابتی دارد که بعضی وقتها جهت گیری سیاست خارجی آن را هم مشخص می‌کند. در واقع این سؤال عنایت به این بحث تئوریک دارد که یکی از استادان ایرانی که در آمریکا تدریس می‌کند معتقد است که اصلاً ژئوپولیتیک و موقعیت خاص جغرافیایی ایران دارای چنان اهمیتی است که این کشور اهمیت واقعی خود را از ژئوپولیتیکش می‌گیرد و اقتصاد ایران ماهیتاً به مراکز قدرت دنیا وصل است. ایران از آن کشورهای نادری است که همانند کشورهایایی مثل چین و عربستان، هند و برزیل باید در سطح جهانی عمل بکند و نمی‌تواند خودش را به حوزه خود محدود کند و بنابراین موقعیت جهانی هم برایش اهمیت دارد. این را از این جنبه عنوان می‌کنم که این مجلات را افراد آکادمیک می‌خوانند و حضرت عالی نکاتی را هم بعضاً در سخنرانی‌های عمومی مطرح می‌کنید که لایه‌های تئوریک هم از آنها قابل استنتاج است اگر در این رابطه هم نکته‌ای دارید بفرمایید.**

هاشمی رفسنجانی: وقتی ما فرض کردیم که مصالح ملی خودمان بر همه چیز در اولویت است اگر واقعاً وضع جغرافیایی ما یا شرایط خاص ما ایجاب کند که همکاریمان را با

کشورهایی بیشتر بکنیم طبعاً در همین مبحث قرار می‌گیرد. ما اصل را مصالح ملی و انقلاب قرار می‌دهیم، ممکن است در همین شرایط وضع خاص ما ایجاب کند که ارتباط ویژه‌ای با یک یا چند کشور در جهان داشته باشیم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** اگر بخواهیم این فرض را بر سیاست خارجی بگذاریم با مفروض گرفتن این اصول در زندگی خودمان باید کجا را انتخاب کنیم.

**هاشمی رفسنجانی:** البته بحثی که شما می‌کنید قابل بررسی است باید ببینیم واقعاً وضع خاص ما به ما فعلاً دیکته می‌کند یا دیکته نمی‌کند.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** دقیقاً بر مبنای همین لغت دیکته می‌کند، در متون می‌گویند که این جغرافیا مجموعه‌ای از سیاستهایی را دیکته می‌کند و دقیقاً این لغت در آنجا استفاده می‌شود.

**هاشمی رفسنجانی:** به هر حال اگر دیکته بکند و بدانیم واقعاً دیکته می‌کند خوب دیکته را می‌نویسیم ولی قابل بحث است که بدانیم دیکته می‌کند یا نه.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** اکثر کشورهای عربی در منطقه از نظر تولید همانند ما هستند یعنی نفت تولید می‌کنند و باید آن را به کشورهای اروپایی، ژاپن و آمریکا صادر کنند، چون آنها هم مثل ما تولید کننده نفت هستند. بنابراین یکی از مشکلاتی که در زمینه ارتباط ما با آنها به وجود می‌آید این است که ما نمی‌توانیم مبادلات تجاری گسترده‌ای با هم داشته باشیم. مثلاً عربستان نفت تولید می‌کند می‌دهد به ژاپن، به آمریکا، به اروپا بعد از آنجا کالا می‌گیرد. ما هم عین همین کار را انجام می‌دهیم. اگر این کشورها در اولویت قرار بگیرند تا آنجایی که من می‌دانم و اطلاع دارم ما مجموع مبادلاتمان در منطقه با اینگونه کشورها

شش درصد بیشتر نیست، یعنی زمینه‌های عینی رابطه گسترده به اصطلاح هنوز به وجود نیامده است تا ما بتوانیم کالا صادر بکنیم و آنها هم بتوانند کالا صادر بکنند. قاعدتاً این اولویت به یک نحو دیگری می‌بایست چرخش بخورد، یعنی حتی اگر رابطه‌ای هم می‌خواهد برقرار شود باز با میانجیگری اقتصادی کشورهای غربی و رابطه آنها برقرار می‌شود، اگر بخواهیم این اولویت را بسنجیم با توجه به این شرایط و امکانات و با توجه به مسایلی که مطرح شد و با در نظر گرفتن نظرات تئوریک که ایران را جزو کشورهایی می‌داند که باید در سطح جهان عمل بکند ما این اولویتها را باید چگونه تحقق بخشیم؟

**هاشمی رفسنجانی:** خوب شما اینگونه تفسیر می‌کنید که مثلاً اولویت در سیاست باید در تجارت تبلور پیدا بکند. ما نمی‌توانیم روابط را منحصر به تجارت فرض کنیم. من می‌توانم زمینه‌های دیگری را نشان بدهم که می‌شود در آنها همکاری بکنیم. اگر هم فرض کنیم تجارت مؤثر است باید موارد تجارت را پیدا بکنیم. اگر اولویت‌ها را در سیاست خارجی بخواهیم تأمین بکنیم باید بالاخره روابط ویژه‌ای درست بکنیم. دوستی، اعتماد و اعتماد متقابل به وجود بیاوریم که بتوانیم در همه صحنه‌های همکاری کنیم. همین عربستان که در تولید نفت رقیب ما هم هست اگر آن موقع‌هایی که عرضه بر تقاضا می‌چربد و رقابت هم خیلی جدی بود با آن طبق قانون اساسی به عنوان مسلمان، همسایه، جهان سوم، رفتار می‌کردیم و این روابط حسنه و عمیق و همکاری کنونی را داشتیم خیلی زودتر منافع آن نصیب ما و عربستان می‌شد، حتی در فروش نفتمان هم با هم می‌توانستیم یک همکاری، مثل همین دوسه سال اخیر داشته باشیم و به گونه‌ای عمل کنیم که با اینکه هردو تولیدکننده نفت هستیم سود کافی هم ببریم. رقابتهای خصمانه خیلی به آنها و ما آسیب زده و هردو می‌توانیم منافع آن را از بعد دیگری نیز نگاه کنیم. اگر رفتارمان با هم برادرانه باشد زمینه‌های همکاری‌های فراوان خواهد بود بخش خصوصی آنها و بخش خصوصی ما می‌توانند کلی در دو کشور سرمایه‌گذاری و تجارت بکنند. عربستان الآن دهها میلیارد دلار جنس وارد می‌کند که خیلی هایش را می‌تواند از ایران وارد بکند. دارو، تجهیزات پزشکی، محصولات کشاورزی صنایع دستی و بسیاری از محصولات

صنعتی و نظامی و توریسم و نیروی کار. این کشور هم اکنون هزاران نفر نیروی کار وارد می کند. اگر از آن زمان با هم دوستی و به هم اعتماد داشتیم. الآن می توانستیم بسیاری از این تحصیلکرده هایی که فعلاً در ایران شغل ندارند بفرستیم آنجا با حقوق بالا کار بکنند در دیدار از کشور عربستان من با گشتی که در صنایع آنها زدم دیدم خیلی زمینه همکاری ما داریم. خیلی بیشتر از آنچه که ما الآن با یک کشوری که مشتری نفت داریم. شما اگر میوه به بازار عربستان بفرستید، عربستان چه احتیاجی دارد که میوه از آن سوی دنیا وارد کند و دیگر لازم نیست آنها میوه های بسته بندی شده را از اروپا یا از ترکیه بیاورند نزدیک به خودش هستیم و به راحتی تحویل می دهیم آنها مقدار زیادی آب وارد می کنند و ما آبهای معدنی با ارزشی داریم. یک فهرست بلند بالایی من دیدم می توان در زمینه آنها با عربستان همین طور با کویت و با امارات و همه کشورهای نفتی همکاری کرد. زمینه همکاریها خیلی وسیع تر از این است. تازه اگر اینها هم نبود ما با همکاریهایمان منافعیمان را جای دیگری حفظ می کردیم و رقابتمان را تبدیل به همکاری می کردیم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** اگر اجازه بفرمایید من یک سؤال تئوریک دیگری هم مطرح بکنم تا وارد چند موضوع خاص بشویم. یکی از مباحث مهم نظری در سیاست خارجی کشورها این است که یک کشور برای رسیدن به اهداف خود اعم از امنیتی، اقتصادی (و در رابطه با کشور ما اهداف ایدئولوژیک و ارزشی) باید با کشورهای ائتلاف کند، زیرا به خودی خود ممکن است امکان رسیدن به آن اهداف نباشد. فرض کنید ناتو در حوزه امنیت نماد چنین ائتلافی است. شوروی سابق دارای چارچوبهایی بود و یا مثلاً سیتو در منطقه آسیای جنوب شرقی از نظر اقتصادی بیانگر ائتلافی است. به نظر جنابعالی با توجه به اینکه از نظر اقتصادی هم اکنون در منطقه و بیرون از آن همکاری های گسترده ای داریم در حوزه های مختلف به خصوص مسایل ایدئولوژیک و همین طور مسایل امنیت ملی آیا زمینه ائتلاف برای ما هست تا ما به اهداف خودمان با ائتلاف دیگر کشورها برسیم. یا اینکه ما همچنان باید خودمان به صورت مستقل و انفرادی به طرف تحقق این اهداف برویم.



هاشمی رفسنجانی: اتفاقاً در همین بحث بعد امنیتی سیاست خارجی را (در مجمع تشخیص مصلحت) بررسی می کردیم یکی از نکاتی که به آن رسیدیم این بود که ما باید در ائتلافهایی حضور داشته باشیم و در این مورد ابتکار به خرج بدهیم و همکاری کنیم، زیرا تنها بودن امروز، در دنیا جواب نمی دهد. معمولاً کشورهای دیگر برای این کار مشترکاتی دارند. فرض کنید به خاطر زبان عربی خیلی از کشورها به هم نزدیک هستند و ترکها هم همین طور. هرکسی چیزهایی برای خود دارد. ما، افغانستان، تاجیکستان که به عنوان سه کشور در زبانمان اشتراک داریم. البته ما با افغانستان مشکل داریم، باید یک زمینه هایی پیدا بکنیم که حاوی مشترکات نیرومندی باشد تا بتواند تأثیرگذار باشد. مثلاً ما روی دریای خزر فکر می کردیم که نقطه مشترکی است و می توانیم با کشورهای ساحلی آن ائتلافی داشته باشیم، آنجا روسها هم به عنوان یک کشور نیرومندی هستند. این ائتلاف قابل تحقق است که ما می توانیم آن را قویتر و عمیق ترش هم بکنیم. این ائتلاف معنی داری است. اوپک را به خاطر نفت و یا اکورا در نظر بگیرید، مثل یک ظرفی خیلی از کشورها می توانستند با هم دور آن جمع شوند. حتی از این بالاتر. یک وقت ما به فکر گروه هشت افتادیم، شبیه گروه هفتی که کشورهای صنعتی داشتند ما گروه هشت درست کردیم آن هم یک معیار داشت، یعنی کشورهای مسلمان غیر عرب زیرا با عربها چه از پیش از انقلاب و بعد از انقلاب و جنگ وضع خاصی پیدا کردیم و مصائبی داشتیم. بنابراین وجود هشت کشور بزرگ اسلامی با جمعیت زیاد زمینه مساعدی بود که قدرت قابل توجهی در بر می گرفت. فعلاً نیز به خاطر بعضی اشتراکات با هند و روسیه بحث هایی صورت می گیرد، البته نقطه ضعفش تضاد میان چین و هند است که قدری مشکل با هم پیدا می کنند که ما باید احتمالاً یکی از آنها را انتخاب کنیم و از این قبیل. کنفرانس اسلامی، آن خودش یک ظرف مناسبی است. در حال حاضر سیاست اصلی ما عملی نشده اگر سیاست اولویت دادن به جهان سوم و مسلمانان عملی می شد این مسئله اهمیت زیادی دارد. و البته دیگران آن را تخریب کردند و نگذاشتند و نمی گذارند. یک سری از اردوگاههایی هستند که در کار ما خرابکاری می کنند من فکر می کنم با شرایطی که می بینیم قطعاً ما باید به طرف ائتلافهای مناسب برویم. حالا البته این کشورهایی که در این ائتلاف

مشارکت می کنند ممکن است از بعد دیگری وابستگی به یک جاهایی داشته باشند و تضادهایی باشد که باید آنها حل شود. خیلی از این کشورها در ائتلاف‌ها دچار تضاد هستند یک جوری با هم مسایل خود را حل می کنند در مجموع مناسب است به سوی ائتلافهای منطقه‌ای یا از نوع غیر منطقه‌ای مثل ائتلاف اقیانوس هند حرکت کنیم، زیرا که کشورهای اطراف اقیانوس هند واحد بزرگی تشکیل می دهند که ما خودمان این را پیشنهاد کردیم. یک مدتی ما را کنار گذاشته بودند دوباره وارد شدیم در مجموع از این ائتلافها زیاد می توان مطرح کرد.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** در رابطه با موضوع مهم سیاست خارجی کشور ما علاقه مندیم نظرات حضرت عالی را جویا شویم. یکی از این موضوعات، مسئله جزایر ایرانی در خلیج فارس است که اخیراً با تحرکاتی که شده هیأت اماراتی به تهران آمده است، فکر می کنید که حل و فصل نهایی این موضوع تابع چه عواملی است؟ چه اتفاقاتی باید از طرف امارات بیفتد و چه اقداماتی باید از طرف ما انجام بشود تا اینکه این مسئله حل شود. چون اختلاف موجود در این زمینه موضوعی است که روابط ما را با کشورهای عربی خلیج فارس دچار خدشه کرده است و بعضاً احساس می شود که این موضوع تبدیل به یک بحث و جبهه بندی عربی در مقابل ایران شده است. نظرات حضرت عالی در این رابطه چیست؟ چطور می توانیم به طرف یک راه حل نهایی حرکت کنیم؟

**هاشمی رفسنجانی:** بسیاری از کشورهای دنیا با همسایگان این گونه مشکلات را دارند. حرفهایی که معمولاً در جامعه و در فکر مردم است انگلیسی‌ها از قدیم در هر جایی که پا گذاشتند یک استخوان لای زخم باقی گذاشتند، مثل کشمیر و اختلاف هند و پاکستان و یا در تقسیم مرزها یک جاهایی می گذاشتند یا به خاطر این که نمی توانستند حل کنند و یا اینکه روزی بر سر آن دعوا بشود و آنها راه نفوذ پیدا بکنند اگر با سوء ظن نگاه بکنیم باید بگوییم مسئله امارات با طراحی آنها شکل گرفته و به این حالت درآمده است. قضیه جزایر در روابط ما و اعراب

و همسایه جنوبییمان مسئله مضرى است. ما از این بعد شاید خيلى خسارت دیده باشیم و آنها هم همین طور. به هر حال اگر مسئله پیچیدگی نداشت شاید زودتر به توافق می رسیدیم و این همه خسارت ناشی از ارزانی نفت و خيلى چیزهای دیگر را نداشتیم. به نظرم عاقلانه این است که هر دو کشور مسئله را از حالت تبلیغی و پیامهای غیردوستانه در بیاورند و آن را در مسیری بیاندازند که بتواند باعث نزدیک شدن دو کشور به هم شود و کمک بکند تا ما به هم نزدیک شویم. در این مورد آنچه به فکر من می رسد گفته ام و آقای امیر عبدالله هم در جلسه ای به گفتگو با من پرداخت. از جانب آنها هم صحبت کرد و گفته شد که مسایلی از این قبیل را نمی توان به این نحو و با فوریت حل کرد که دولت به خودش جرأت و یا حق بدهد که فوری گذشتی بکند و یک مسئله ای را بخواباند. نه آنها می توانند این کار را بکنند و نه ما می توانیم این کار را بکنیم. مسایل مرزی و تمامیت ارضی کشورها خيلى مهم است. اینجا حساس و از لحاظ موقعیت نظامی فوق العاده مهم است. بنابراین پیشنهاد من این بود که وقتی که هر دو طرف قبول داریم که گذشت برای هر یک از دو طرف آسان نیست بیاییم مذاکره جدی شروع بکنیم و بشینیم و مثلاً در سطح وزیر خارجه یا معاون وزیر خارجه یا کارشناسان بحث بکنیم. دو طرف سالی دوسه بار جلسه بگذارند و بحث بکنند، نتیجه هر جلسه ای را هم اعلام بکنند. در نتیجه اولاً در این بحث ها به حقیقت هایی می رسیم و وقتی بحث می کنیم اسناد و گذشته را می بینیم، شرایط را مشاهده می کنیم و به عقایدی می رسیم و اگر بناست مصالحه ای بشود یا هر اتفاقی بیافتد افکار عمومی جامعه آماده شود. و این فقط از طریق مذاکرات طولانی مقدور است. من به آقای امیر عبدالله گفتم این دوره را حداقل برای مدت پنج یا ده سال قرار بدهیم و انتظار نداشته باشیم مسئله یک ماهه، دو ماهه و یا یک ساله حل شود، ولی در عین حال مایه سردی روابط و دوری برادران ما نباشد و ما همکاریهای دیگرمان را داشته باشیم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: نقش عربستان سعودی در این فرآیند چیست؟ آیا این درست است که عربستان سعودی در حل و فصل نهایی این موضوع نقش کلیدی به عهده دارد. از وقتی که مسئله جزایر تبدیل به یک ابزار سیاسی شده، یعنی درست مصادف با فروپاشی**

شوروی است یک خلائی در منطقه به وجود آمد و ظاهراً نیاز بود یک تهدید جدیدی در منطقه مطرح شود بلافاصله در همان زمان هم مسئله جزایر مطرح شد. این یک بعد قضیه است که فکر می کنیم از جنبه سیاسی قوی باشد و دوم اینکه شما نقش عربستان را به چه صورت می بینید؟ یعنی ارتباط متقابلی که بین ایران و عربستان برقرار شده تا چه حدی می تواند این مسئله را حل کند؟ یعنی آیا می توان در سطح مقامات بالا این مسئله را حل کرد؟ فکر نمی کنم که در مرحله دوم نیازی باشد که ما زیاد با امارات متحده عربی چانه زنی کنیم، چون شیخ زاید در ابوظبی خیلی به خاندان حاکم در عربستان سعودی وابسته است و هر وقت روابط ایران و عربستان خیلی نزدیک شده ما می بینیم که مصداقهایش کاملاً مشخص است که شورای همکاری خلیج فارس، قطعنامه هایی که صادر شده لحنشان ملایمتر شده ولی به محض اینکه یک مقدار روابط ایران و عربستان در مسایل دیگر مثل نفت دچار مشکل شده بلافاصله در قضیه های دیگر ما تنشهایی ایجاد شده است. شما نقش روابط نزدیک ایران با عربستان را چگونه می بینید و یا در مورد قراردادن سرنخ در دست عربستان سعودی نظرتان چیست؟

هاشمی رفسنجانی: عربستان را مؤثر می دانم، اما تخمین مقدار آن خیلی آسان نیست. نقش این کشور را هم در قضیه عراق در جنگ مؤثر می دانستم و هم در این داستان و هم در خیلی جاهای دیگر، مثل مسئله قیمت نفت. ما در خیلی جاها این را می دیدیم. و لذا از نظر من یک کلید مهم حل مسایل منطقه همکاری با عربستان بود. از زمان امام (ره) هم این عقیده را داشتم. وقتی قضیه شهادت حجاج ما پیش آمد من آن را در سیاست خارجمان و خیلی مسایل دیگر خسارت عمده ای می دیدم در این خصوص من نامه ای به امام نوشته ام. آن موقع امام هم به نتیجه ای رسیده بودند و در مقطعی به ما دستور دادند که بروید و مسایل تان را با عربستان حل کنید البته ایشان از دید حج بیشتر به ما گفتند، ولی خوب عمقش غیر از این بود آنچه می گفتند این بود که گفتند بروید مسئله حج را حل کنید. ما نمی توانیم حج را تعطیل کنیم. ولی علاقه داشتند که این کار بشود، اما اینجا یک چیز دیگری هست. اولاً عربستان خودش هم با امارات اختلاف ارضی دارد. این طور نیست که همه مسایل آنها حالا

حل بشود، و ثانیاً این طور هم نیست که آنها هر چه بخواهند دیکته بکنند، البته در مورد بحرین تا حدودی این طوری است چون بحرین قسمتی از نفت عربستان را مصرف می کند. آنها پل زده اند و مثل یک استانی از عربستان عمل می کنند. اما امارات این طوری نیست و ثانیاً اگر فرض کنیم که مسئله ریشه انگلیسی و آمریکایی دارد قضیه از عربستان بالاتر است. خود عربستان هم گرفتار آنهاست و آزادی عمل ندارد. مشکلات جدی دارد و با تهدیدهایی مثل اسرائیل و عراق روبروست. آن طوری که ما در ایران هر تصمیمی را به نفع خودمان بدانیم می گیریم در آنجا نمی شود، ولی در هر حال این کشور را مؤثر می دانم همان طوری که شما می گوئید وقتی که ما روابطمان تیره است فضا بدتر می شد، وقتی که عربستان با ما دوستی کرد فضا کمی آرام می گیرد. همین الان عربستان کمک می کند که در جلساتشان تصمیمات تند و تیزی نگیرند حرفهای تندتری نزنند. در این مقطع من احساس کردم آقای امیر عبدالله می خواهد این مسئله را حل بکند در جلسه خصوصی هم در این مورد و هم در مورد افغانستان با هم صحبت کردیم. البته ایشان این دو را با هم می دید. طرف، انتظار داشت ما بیشتر به افغانستان کمک بکنیم. آنها هم آنجا بیشتر کمک کنند، زیرا همه اینها مسایل منطقه ماست و دولتها و ملتها باید بحث بکنیم. در عین حال فرمولی هم مطرح بود که من مسئولیت آن را نداشتم و آنها را احتمالاً وزارت خارجه پی گیری می کند. در هر حال فکر می کنم یکی از اهرمهای مفید عربستان است و ما هم در حال حاضر رابطه مان با عربستان خوب است.

### فصلنامه مطالعات خاورمیانه: سؤال من به حوزه خیلی ویژه و تخصصی شما

بر می گردد، زیرا هم مطالعه وسیع دارید و هم در این زمینه دارای نوشته هایی هستید. موضوع فلسطین است. شاید بشود گفت که این موضوع که مرکز ثقل سیاست خارجی ماست، هم در نوع رابطه که در منطقه داریم و هم نگاهی که غرب به ما دارد و شاید هم از چند موضوعی که آمریکاییها همیشه در رابطه با ایران مطرح می کنند. می توان گفت که موضع اصلی شان مسئله اسرائیل است. آیا نگاهی که ما به اسرائیل داریم به نظر شما می تواند در یک فرایندی حل بشود یا اینکه این جنبه نظامی و حماسی مسئله فلسطین همچنان ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا ما زمینه

لازم را در سیاست خارجی کشور داریم تا به موضوع فلسطین-اسرائیل یک نگاه حقوقی داشته باشیم به این معنی که ما از طرفداران جدی حقوق مردم فلسطین و تشکیل یک دولت فلسطینی باشیم و نقش حامی معنوی را پیدا کنیم و نقش مستقیم و یا حتی غیر مستقیم نداشته باشیم. آیا این در چارچوب مصالح کشور می‌گنجد یا اینکه این مرکز ثقل همچنان باید حفظ بشود؟

**هاشمی رفسنجانی:** من در اصل، تشکیل دولت اسرائیل در اراضی فلسطین را واقعاً یک ظلم فاحش غیر قابل گذشتی می‌بینم و صرف نظر کردن از این ظلم و نادیده گرفتن آن تا زمانی که امیدی برای برطرف کردن این ظلم هست به نظرم منطقی نیست. اگر مقداری هم روی این مسئله انسانی هزینه بشود جای دوری نمی‌رود. بنابراین واقعاً مسئله فلسطین را باید در ابعاد مختلف آن در نظر گرفت. بعد انسانیش اینطوری است و از بعد اسلامیش بالاخره یک کشور اسلامی مورد ظلم واقع شده و از بعد سیاسی هم معلوم است که اسرائیل آمده در خاک فلسطین و مزاحم استقلال و عظمت و رفاه و آسایش منطقه می‌باشد و پایگاه استعمار است. از ابعاد اقتصادی هم اگر در آینده این مسایل حل نشود با توجه به اینکه اسرائیل امتداد اقتصاد غرب است مسئله جدی می‌تواند باشد و مهمتر از همه مسایل خطرناک رقابتها و مسایل نظامی است که سرجایش است و تهدیدها تمام نمی‌شود و کلی پول خرج سلاح و نیرو و اینگونه مسایل باید بکنیم. همیشه بسیاری از برنامه‌هایمان به خاطر ناامنی که در منطقه است تحت الشعاع آن خواهد بود. همین که اسرائیل الآن به سلاح هسته‌ای مسلح شده و بمب اتمی موجب می‌شود دیگران هم فکر کنند به دسترسی به این سلاحها و برون‌دنبال آن و همین مسئله خودش تهدیدی واقعی برای منطقه خواهد بود. به تدریج مسئله تولید سلاحهای شیمیایی، میکروبی و موشکهای دوربرد. اینها به پیش می‌آید بنابراین از هر بعد که شما نگاه کنید اسرائیل مثل یک سرطانی است در منطقه و فکر می‌کنم ما باید به سیاستمان وفادار باشیم. چند سال پیش یک پیشنهادی را مطرح کرده بودم و اخیراً آیت الله خامنه‌ای صورت کاملتر آن را اعلان کردند که به مسلمانان و مسیحیان و مردم فلسطین هم حق بدهند که در این منطقه زندگی نکنند،

دموکراسی آنجا حاکم باشد. کشوری باشد که متشکل از مسلمان و مسیحی و یهودی است با یک شکلی آنجا را با کمک سازمان ملل و کشورهای پر قدرت منطقه حل کنند با اینکه چهار پنج میلیون آواره فلسطینی همیشه بیرون از مرزهای فلسطین باشند مسئله اصلاً حل نمی شود. با عنوان کردن این چهار پنج میلیون فلسطینی همیشه نگاهشان به آنجاست باید با فقر و بدبختی زندگی بکنند. وضع موجود را نمی شود پذیرفت. دنیای اسلام می تواند به آمریکا فشار بیاورد که دست از حمایت اسرائیل بردارد من این را عملی می دانم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: سؤال بعدی در رابطه با مصوبات جدید سنای آمریکا و مجلس نمایندگان آمریکا است. مطلع هستید که چندی پیش سنای آمریکا ۹۸ به ۲ و مجلس نمایندگان ۴۰۶ به ۱۲ تحریم ایران را برای پنج سال دیگر تمدید کردند. به نظر شما چه راه حل هایی وجود دارد که تنش زدایی که از زمان ریاست جمهوری خود شما شروع شد مؤثر واقع شود و در واقع رابطه از جنبه نظامی به اختلافات سیاسی تقلیل پیدا بکند؟ شاید این دیدگاه وجود داشته باشد که کشور ما به خاطر ماهیت قانون اساسی دارای چارچوب فکری است که ما همیشه درجه ای از تعارض را با غرب داریم ما هیچ وقت نمی توانیم به هماهنگی کاملی با غرب برسیم این تعارض به دلایل مختلف با آمریکا بیش از اروپاست که این نوع تصمیم گیریایی که در آمریکا می شود و این درصد از اجماع نظر و اکثریتی که در مجلسین آمریکا دیده می شود نشان آن است که به هر حال طرف آمریکا علاقه ای به تنش زدایی ندارد به نحوی کشور ما بتواند آن را تغییر بدهد. چون به هر حال تصمیمی که آمریکا نسبت به ما می گیرد در روابط خارجی ما از آفریقای جنوبی گرفته از ترکیه گرفته آسیای مرکزی گرفته و اروپاییها و غیره اثرگذار است. اینها برایشان مهم است که رفتار آمریکا نسبت به ایران چیست شما چه راه حل هایی را برای بهبود روابط خارجی ما می بینید تا این درجه از تشنج را تقلیل بدهیم؟**

هاشمی رفسنجانی: خوب طبق اصولی که شما هم می دانید، من فکر می کنم اگر از اول وضع ما و آمریکا به این حالت در نمی آمد بهتر بود. ما هم به عنوان دولت یا انقلاب

مقصر نیستیم، بلکه آمریکاییها مقصر هستند. آنها بعد از انقلاب با ما بد کردند قبل از انقلاب که آنها مسئول بسیاری از کارهای شاه بودند. آن مال گذشته بود آمریکاییها از همان اول بناشان بر این بود که انقلاب را با ماهیت اسلامیش نپذیرند. وقتی دیدند آنچه آنها می خواهند در فراندوم و در مسایل بعدی نشد از اول حرکات بدی انجام دادند. قضیه لانه جاسوسی را هم جوانها کردند. کاری که ما کردیم این بود که مسئله را در مجلس حل کردیم. امام کمک کردند. نمی خواستیم با آمریکا قطع رابطه بکنیم. آمریکا پیش قدم شد و قطع کرد، بالاخره در کشور انقلابی از این جور حوادث اتفاق می افتد. آمریکا باید می فهمید که آن را به صورت یک حادثه نگاه بکند بعداً هم آمریکا در جریان جنگ و کودتا خیلی جاها با ما خصمانه رفتار کرد. در اواسط جنگ آنها علایمی نشان دادند. فکر می کنم همین جمهوری خواهان بودند که قضیه مک فارلین پیش آمده بود ما هم اینجا برخورد منفی نداشتیم. این جریانی بود که امام، سران سه قوه و همه در جریان بودیم و این کار واقعاً مال نظام بود نه یک فرد و اینگونه اتفاق افتاد که ما در لبنان از نفوذمان کمک بگیریم تا گروهانهای آمریکایی را آزاد کنیم. آنها هم بعضی نیازهای ما را در جنگ مثلاً قطعات حساس ارائه می دادند. می شد این را به عنوان مقدمه ای برای حل مسایل بعدی کرد. باز همانجا هم آمریکاییها بد کردند. برای اینکه قدری پول بیشتر بگیرند به نیکاراگوئه بدهند. مثلاً قیمتها را یک جور دیگر می کردند. اینها بعضی از موشکهای هاگی را که می خواستند بیاورند از انبارهای اسرائیل می آوردند در حالی که می دانستند ما حساس هستیم. آمدن مک فارلین با یک شناسنامه دیگر درست نبود. بعد باز آمریکاییها آمدند سراغ همان شیوه قبلی یعنی باز از گروهانهایشان در لبنان شروع کردند. خیلی ها آمدند پیش ما دبیر کل سازمان ملل، تورگوت اوزال، نخست وزیر ژاپن که مسئله حل شود وعده های زیادی دادند که عمل نکردند. ما هم خیلی سرمایه گذاری و کمک کردیم. در لبنان زحمت کشیدیم تا سرنخی پیدا کردیم. قانع ساختن بچه های انقلابی لبنان آسان نبود، اما ما قانع کردیم به محض اینکه گروهان ها آزاد شدند آمریکاییها طلبکار هم شدند. در عین حال باز من شرایط خیلی واضحی قرار دادم. گفتیم اگر آمریکا اموال ما را آزاد بکند ما با آمریکا وارد مذاکره می شویم تا ببینیم چه اتفاقی می افتد. اینها آن کار را هم نکردند بالاخره ما مبلغ قابل توجهی پول



آنجا داریم به علامت حسن نیت آن را خواستیم، گفتیم اگر آمریکا نمی خواهد خصومتش ادامه داشته باشد اموال ما را بدهد و عملاً هزینه ای هم نمی کند ما پولی در آمریکا داریم با بهره اش پس بدهد. آمریکاییها این کار را نکردند. البته ما می دانیم در آمریکا افرادی هستند می خواهند مسئله حل بشود مثل خود ایران در ایران هم افرادی هستند که می خواهند مشکلات حل شود ولی قدرتهایی هم هستند که هم در اینجا و آنجا که نمی خواهند حل بشود. در مجموع شرایط مساوی داریم من فکر می کنم بالاخره باید ایران و آمریکا مسایل خودشان را حل بکنند. البته زمینه هایی هم می ماند و اگر آمریکا بخواهد از اسرائیل حمایت بکند خوب در آنجا همیشه با هم اختلاف جدی داریم یا اگر بعضی کارهای استعماری در منطقه بکنند نمی توانیم اختلاف نداشته باشیم. به هر حال در مجموع مصلحت این است که به یک نحوی که هم صلاح ملی و اعتبار انقلاب آسیب نیند و آمریکا هم حسن ظن خودش را برای ما اثبات بکند اقدام شود والا نفس شروع مذاکره می تواند یک کلاه گذاری باشد. این سیاست مهمی است که رهبری روی آن تکیه دارد و در زمان امام هم، ایشان جایی را باز گذاشتند و گفتند اگر آمریکا آدم بشود ما می توانیم قدم به جلو برداریم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: نکاتی که حضرتعالی اشاره کردید به نظر می رسد که**  
به نوعی طبیعی بوده است. به نظر شما با توجه به اینکه مسایلمان در رابطه با اسرائیل به همان شکل و با همان تهدیدات وجود دارد و یا سازمان خزر به همان صورت که شما پیشنهاد کردید باقی مانده و در رابطه با ایالات متحده نیز مسئله به همان صورت که شما پیشنهاد کردید مانده است، ما در واقع به کجا می خواهیم برسیم؟ چه آینده ای برای این کشور متصور است؟ از طرف دیگر مسئله حاکمیت دوگانه در کشور وجود دارد یعنی صحبت هایی که خودتان فرمودید مثلاً در رابطه با آمریکا لایه هایی هستند که می خواهند ارتباط باشد ولایه هایی هستند که مخالف آن هستند با این شرایط شما دورنما را چگونه می بینید؟ اگر قرار باشد که فقط تبیین باشد، آیا شما به عنوان یکی از افراد فوق العاده تأثیرگذار در تاریخ انقلاب اسلامی هیچ موقع خواسته اید که در تفکر اولیه تان تجدیدنظر بکنید؟

هاشمی رفسنجانی: آنچه من می گویم تقریباً همان تفکراتی است که داشته ام. البته در طول زمان آدم واقع بین تر و واقع گراتر می شود. فکر می کنم ما با آمریکا نمی توانیم تا قیامت درگیر باشیم و باید تا جایی که امکان حل آن وجود دارد کاملاً حل شود.

مسئله خزر واقعاً قابل حل است نباید طولانی بشود. باید بنشینیم و با آنها حرف بزنیم. من زمانی که مسئول بودم روابطی با سران کشورهای خزر داشتم به نظرم از کارهای آسان می آمد فکر نمی کردیم بعداً تبدیل به یک دمل چرکی شود با اینهمه مسئله ای است که هنوز هم می شود آن را حل کرد.

اسرائیل وضعی دارد که در قبل به آن اشاره کردم ما باید بپذیریم که نمی توانیم همه روابط خارجی خودمان را بی ارتباط با مسئله فلسطین تنظیم کنیم و نیز همه مسایل کشور را و روابط کلی خود را مطلقاً تحت الشعاع آن قرار بدهیم. بالاخره خیلی کشورها در حال حاضر مثل ما با اسرائیل دشمن هستند، حتی جنگ هم دارند. زمانی اعلام جنگ هم کرده اند و صلح هم نکرده اند ولی کارشان را هم با آمریکا می کنند مسایل با آمریکا هم می تواند قابل حل باشد. من به نظرم بن بست و وجود ندارد. در مورد دوگانگی در داخل، در آمریکا هم دوگانگی است واقعاً دو نظر هست، اما بالاخره، نظر غالب نظری است که سیاست رسمی کشور است. سیاست رسمی کشور می تواند این باشد که تحت ارایه شرایط معقولی ما مشکلاتمان را با آمریکا حل بکنیم، من نمی گویم هست حالا اینکه باید چگونه عمل بکنیم خود بحث دیگری است.

### فصلنامه مطالعات خاورمیانه: ببخشید آقای رفسنجانی فرقی این است که به هر حال

در آمریکا یک سیستم پلورالیستی حاکم است. آنها همدیگر را هدف قرار نمی دهند در حالی که در اینجا افراد همدیگر را هدف قرار می دهند. مثلاً من مطبوعات را به خصوص زمانی که در مورد دوره ریاست جمهوری شما نوشته می شد مطالعه می کردم. بیشتر متون بین اندیشه و عملکرد و شخصیت شما فاصله ایجاد نمی کرد ما می دیدیم که آنها شما را نشانه می گیرند افکار و اندیشه های شما نقد نمی شود.

هاشمی رفسنجانی: من این حرف شما را قبول دارم یعنی این شیوه‌ای که در این چند سال در ایران به چشم می‌خورد مثل جامعه نابالغ است آنها تمرین دموکراسی کرده‌اند و بعد از دهها سال این دوره‌ها را پشت سر گذاشته‌اند و حال پخته‌تر از ما عمل می‌کنند. البته آنجا هم همدیگر را هدف قرار می‌دهند. فرض کنید الان شرکتهای آمریکایی در مورد تحریمهای وضع شده مجلسشان اعتراض می‌کنند و می‌گویند منافع آمریکا را زیر پا گذاشته‌اند. این اتهام کوچکی نیست که مجلسی بنشیند و منافع کشورش را در نظر نگیرد. اتهام است ولی خوب در یک لباس مشاجره معقول دیپلماتیک این مسایل مطرح می‌شود. اینجا حالت اتهام و خصومت و کینه ورزی وجود دارد و این از علایم نابالغی است که وجود دارد. البته به خاطر مسلمان بودن دور از انتظار است، اما بالاخره دموکراسی جوانی هست که تازه دارد از درون یک دوره طولانی شاهنشاهی زدگی سر بیرون می‌کند. اگر ایمان به خدا و قیامت و حساب و جزا و مکافات و پاداش در کار باشد، در یک جامعه اسلامی نباید این اتفاقات بیفتد.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: ما سه تا سؤال دیگر داریم که خدمتان مطرح کنیم.**

سؤال این است که در سطح جهانی تبلیغات وسیعی وجود دارد که ایران به دنبال سلاحهای هسته‌ای و گسترش توان موشکی خودش است و این تهدیدی است برای کشورهای منطقه. همان طور که می‌دانید حتی در دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون، وزارت خارجه آمریکا از یک طرف صحبت از این می‌کرد که ایران کشوری است که در آن تحولات جدی صورت گرفته و آمریکا باید با ایران صحبت بکند و از طرف دیگر کوهن وزیر دفاع آمریکا می‌آمد در خلیج فارس و ایران را به عنوان مهمترین تهدید در خلیج فارس و کل منطقه معرفی می‌کرد. این نشان می‌دهد که دوگانگی در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد. عده‌ای منافعشان این بود که ایران را به عنوان یک تهدید مطرح کنند و عده‌ای دیگر مخالف آن بودند. آیا این تبلیغاتی که می‌شود توجیه شده است و آیا آلترناتیو دیگری هست که ایران به عنوان یک کشور دارای ابعاد معنویست و انسانی و حقوق بشری در سطح خاورمیانه روشهای دیگری برای تأمین امنیت ملی خودش اتخاذ بکند یا اینکه نه چون کشوری است تنها و هیچ ائتلاف امنیتی با کسی دیگری ندارد

مجبور است که از ابزارهای مختلف برای بازدارندگی استفاده بکند تا امنیت خودش را تأمین بکند؟

**هاشمی رفسنجانی:** بله خوب در مورد موشک ما منکر نیستیم ما در صنایع موشکی جدی هستیم پیشرفتهایی هم کرده ایم باز هم باید پیشرفت بکنیم. موشک تقریباً حالا دیگر جز و سلاحهای کلاسیک دنیا حساب می شود و دیگر به آن صورت غیر متعارف نیست، ما در جریان دفاع مقدس مان در عمل اهمیت نقش موشک را در جنگ دریافت کردیم و از همان زمان به فکر به دست آوردن این صنعت افتادیم و از صفر شروع کردیم و امروز دارای تکنولوژی کاملاً بومی و خودی و مستقل موشک سازی هستیم.

در مورد سلاحهای شیمیایی و میکروبی و هسته ای آمریکاییها دروغ می گویند. در مورد سلاحهای شیمیایی ما از نظر علمی توانش را داریم به خاطر اینکه در جنگ برای دفاع و برای حفاظت از خودمان رویش کار کرده ایم، ولی اخیراً چون عضو کنوانسیون شدیم شرایط آن را پذیرفتیم و امکانات ما زیر نظر آنها است. مرتباً هیأت بازرسی می آید و مراکزی را بازدید می کند آنها کارخانه های ما را شناسایی کرده اند و می دانند هم قدرت تولیدش را داریم ولی نمی کنیم. با این تکنولوژی سم کشاورزی و دارو تولید می کنیم.

در مورد میکروبی هم ما در این فکرها نیستیم در جنگ هم ما نشان دادیم در این فکر نیستیم در جنگ اگر می خواستیم به شهرهای عراق موشک بزنیم قبلاً اعلام می کردیم که مردم از شهر بیرون بروند تا آسیب نبینند. اینقدر ملاحظه مردم را می کردیم و هیچ وقت به فکر استفاده از سلاحهای شیمیایی نبودیم، اما روی حفاظتش خیلی کار کردیم.

در مورد اتم هم اینها فکر می کنند اگر ما مثلاً نیروگاه هسته ای داشته باشیم خود به خود به مواد لازم برای تولید سلاح هسته ای نزدیکیم. ما حاضر نیستیم خود را از مواهب صلح آمیز این صنایع مهم و علمی و تکنولوژیهای بسیار با ارزش هسته ای محروم کنیم به خاطر اینکه آنها برای خودشان حاشیه امنیتی می خواهند. ما قراردادهای خلع سلاح هسته ای را امضا کرده ایم و به آن متعهد هستیم. اگر نیروگاهی بسازیم زیر نظر آنها خواهد بود. آژانس بین المللی

اتمی مرتباً در حال تیرئه‌ما است ولی آمریکا حرف خودش را می‌زند. مثل همین مورد حقوق بشر آمریکا نشان داده است که گزینشی عمل می‌کند هر جا بخواهد اینها را مطرح می‌کند و هر وقت هم کسی در مقابل آمریکا کوتاه بیاید عفو نامه صادر می‌کند. مطمئناً ما در شرایط فعلی دنبال سلاحهای هسته‌ای و میکروبی و شیمیایی نمی‌رویم و به فکر تولید آن هم نیستیم. اما باید پذیرفت با شرایطی که اطراف ما به وجود آمده و بدتر هم خواهد شد، ممکن است در آینده تجدیدنظر در این مورد شود. امروز اسرائیل، پاکستان، هندوستان و قزاقستان در منطقه قدرت هسته‌ای هستند و بعضی کشورهای دیگر هم در جهت اتمی شدن گام برمی‌دارند و این‌گونه مسایل در جایی متوقف نمی‌شود. مگر اینکه یک فکر اساسی و عادلانه در کل دنیا بشود. حتی نهایتاً و به طور اصولی نمی‌شود پذیرفت که بعضی کشورهای بزرگ مثل آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس و چین از حق و امتیاز ویژه‌ای در این خصوص برخوردار باشند. بی‌شک خود این باعث روی آوردن دیگران خواهد شد. راه حل اساسی خلع سلاح کلی و عمومی در تمام جهان است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: یکی از رشته‌هایی که در دوران پس از انقلاب خیلی رشد کرده و دانشگاه آزاد در اکثر شهرهای حتی کوچک کشور آن را دایر کرده دو رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل است. در کل کشور هم در دانشگاه‌های بزرگ این رشته وجود دارد. یکی از نکاتی که در محافل علمی این رشته مطرح می‌شود این است که چرا اساتید علوم سیاسی و روابط بین الملل و یا محققین زیادی که در این رشته‌ها هستند نقش شایسته را در طراحی‌های سیاست خارجی ندارند. مثلاً آن‌گونه که منعکس می‌شود در مطبوعات فرانسه رییس جمهور فرانسه شیراک از وقتی که به این مقام رسیده هفته‌ای یک بار صبحانه اش را با یکی از اساتید دانشگاه می‌خورد. در این صبحانه که از قبل موضوعش هم تنظیم می‌شود یک مقدار اطلاعات و دید جدید و چارچوبها فکری و تئوریک از آنها می‌گیرد. بنابراین رییس جمهور نقشی هم برای حوزه علم قائل است و استادان هم این احساس را دارند که ممکن است ده درصد از اینها عمل بشود و آنها توانسته‌اند حرفهایشان را در آنجا مطرح کنند. یا حتی**

مطلع هستید که معاون رییس جمهور آمریکا آقای چینی نقش بسیار تعیین کننده‌ای در سیاست خارجی جدید کاخ سفید دارد، زیرا او تعداد قابل توجهی از اساتید دانشگاه‌ها را به کار گرفته است و آنها باید برای چهار سال طراحی‌های مختلفی را در مورد موضوعات گوناگون بیان کنند و بنویسند. این نکته به نظر شما در ایران چگونه قابل حل است که دانشگاه صرفاً در عالم ایده‌آلیستی و تئوریک نباشد و محافل اجرایی هم خیلی عمل زده نشوند، بلکه مفاهیم جدید مطرح بشود مثلاً یکی از نکاتی که همیشه در دانشگاه‌ها مطرح بوده اینکه رشته تحصیلی بسیاری از سفرای ما مهندسی است و یا فرض کنید اطباء آمده‌اند در این رشته‌ها بیشتر کار می‌کنند در حالی که فردی که سیزده سال در مورد خلیج فارس درس خوانده و کار کرده و تمام جزئیات را می‌داند هیچ وقت نقشی نداشته است. مثلاً ما استادی داریم زبان چینی حرف می‌زند بیست سال در این زمینه‌ها کار کرده ولی دستگاه‌های سیاست خارجی ما و محافل دیگر از وی استفاده نمی‌کنند به نظر شما چه راه‌هایی هست که بشود این دو رشته نقش بهتری حتی در حاشیه و در حد بحث با مجریان کشور و رجال سیاسی کشور داشته باشند؟

**هاشمی رفسنجانی:** البته این اشکال تقریباً از اول تا به حال در همه صحنه‌های مدیریتی کشور وجود داشته است. یعنی ارتباط دانشگاه با دستگاه‌های اجرایی خوب تنظیم نشده بود. البته در جاهایی مثل مجلس و دولت اساتید در رشته خودشان در کمیسیونها مؤثر بوده‌اند. فعلاً در همه این رشته‌ها افراد قابل اعتماد فراوان هستند. محققین سطح بالایی داریم ولی قطعاً باید به این مسئله، نظامی داده شود ما در کمیسیونهای مجمع برای سیاستهای کلی از متخصصین استفاده می‌کنیم. در دولت این تخصصها باید مراعات بشود و می‌توانیم این کار را بکنیم مجلس طبعاً هم همین طور است. در مجلس بالاخره عده‌ای انتخاب می‌شوند بعد در موقع تقسیم بندی مسئولیتها، تخصص‌ها در پذیرش در کمیسیونها مؤثر هستند الآن راه خیلی پیچیده نیست. اکنون هم با کسانی با تخصصهای مختلف دوستی و همکاری و جلسه داریم. با آنها مشورت می‌کنیم و آنها نظر می‌دهند این چیزها هست، اما به نظر می‌رسد باید نظام داده شود. افراد دانشگاهی، محققان و مدرسان باید به صورت سازمانی و در تخصص‌های

مربوطه از جنبه مشورتی و برنامه‌ای و اجرایی مسئولیت داشته باشند. این مسئله به نظر من کار سختی نیست.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** دو سال پیش در یک از کلاسهای روش تحقیق با کمک دانشجویان تلاش کردیم منحنی فکری شما را در رابطه با سیاست خارجی بکشیم. منحنی به این صورت درآمد که از سال ۶۶ به بعد دیدگاههای شما در مورد سیاست خارجی ثبات بسیاری بالایی داشته است. در حالی که از اول انقلاب تا سال ۶۶ در یک چارچوب خاصی بوده و این مسئله که ما کجا باید برویم، چه کار باید بکنیم و تعریف ما در منطقه چیست، خیلی ثبات داشته است. به خصوص در جاهایی که شما امنیت ملی را تعریف می‌کنید دانشجویان نظرات مختلفی می‌دادند و به هر حال از اطلاعات عمومی که داشتند استفاده می‌کردند می‌توانیم این را بگوییم که یک چارچوب منطقی است که سر کلاس به عنوان یک تمرین فکری از یکی از رجال اصلی که از اول انقلاب تا به حال در صحنه سیاسی کشور حضور داشته ترسیم کرده ایم؟

**هاشمی رفسنجانی:** خودم که هیچ وقت این گونه ارزیابی تحقیقی که شما انجام داده‌اید از خودم نکرده‌ام فقط می‌توانم برگردم مطالعه بکنم از اول انقلاب تفاوت من با بعضی از دوستان خیلی نزدیک این بود که من افراط و تفریط را قبول نداشته‌ام. هنگامی که صادره‌ها در اوایل انقلاب شروع شد و این مسئله جا افتاد من یک ماهی به خاطر مصدوم شدن در سوء قصد به شورای انقلاب نمی‌آمدم. آن موقع با این افراطی‌های چپ و راست هردوستان هیچ وقت سر و کار خوبی نداشتم. من فکر می‌کنم پیش از سال ۶۶ این چیزها را باید بدانید کلی است و قتهایی شرایط به گونه‌ای است که آدم می‌تواند اظهار نظرهایی را بکند گاهی هم شرایط برای اظهار نظر مساعد نیست من از اول همین روحیه را داشتم تا به حال خیلی عوض نشده‌ام. در مورد مسایل اقتصادی و سیاست خارجی و مسایل اخلاقی و آرمانی هم همین طور است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** شاید این نکته را که می‌خواهم بگویم به عنوان آرزو باشد زمانی که انقلاب شد، همیشه شما صحبت می‌کردید نسل ما احساس امنیت و آرامش می‌کرد. آیا می‌شود از شما تقاضا کرد در این مقطع زمانی از مملکت که کشور ما شرایط خاص خودش را دارد و با مشکلات روبروست و آمال‌ها و امیدها خیلی پایین آمده جوان‌ها آرزوهای زیادی دارند. طبقه متوسط جدید آرزوهای زیادی دارد برای ایران مسلمان آباد آزاد مستقل که به شکل دموکراسی دینی اداره می‌شود، از شما خواهش کنم اگر امکان داشته باشد یک الگوی توسعه که اجماع نظر میان هیأت حاکمه ایران در آن باشد شکل دهید تا آنهایی که دلسوز این کشور هستند و اهداف این کشور در صحنه داخلی و اهداف این کشور در صحنه خارجی مشخص باشد چون نسل امروزی و نسل قدیم شما را خیلی پراگماتیست و میانه‌رو می‌دانند اگر امکان باشد پیرامون اجماع روی توسعه ایران به نحوی توجه شود که ائتلافی باشد از خرد دموکراتیک و خرد تکنولوژیک.

**هاشمی رفسنجانی:** می‌فهمم شما دلسوزانه و مخلصانه این مسئله را برای کشور و نظام مطرح می‌کنید. باید بررسی کنیم و ببینیم واقعاً امکان چنین چیزی هست. من اکنون کار را به آسانی آن موقع نمی‌بینم باید روی آن تحقیق کرد در فکر هستم که راهی برای اصلاح این وضع نامناسب پیدا کنم. خواهش می‌کنم شما هم کمک کنید.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** از وقتی که جنابعالی در اختیار ما گذاشتید خیلی متشکریم.

**هاشمی رفسنجانی:** شما زحمت کشیدید متشکرم.